دربارهٔ استقلال رأی هنرمند و تحلیل آن براساس دیدگاه‌های پسااستعماری به بهانهٔ نگاه نقادانه به اثر «۱۸۳ بار» از گرِگ هاینْز

میلاد محمودی نوسر[۱*]

۱. دانشجوی دکترای پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

[تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴]

چکیده

نوع تعامل هنرمندان با جنبه‌های مختلف زندگی جوامع بشری، خصوصاً جنبه‌های مرتبط با قدرت و سیاست، چه در طول تاریخ و چه اکنون، مورد توجه عموم جامعه بوده و الگوی رفتاری بسیاری از افراد جامعه قرار می‌گرفته‌است. از این‌رو، نگاه مستقل و فارغ از هرگونه جانب‌داری منفعت‌طلبانه از طرف ایشان اهمیتی دوچندان می‌یابد. از طرفی مشاهدهٔ واکنش‌های برخی هنرمندان مستقل امروزی با اتفاقات منافی وجدان بشری، هم‌چون اثر موسیقایی «۱۸۳ بار» از گرگ هاینز، این سوال را برمی‌انگیزد که هنرمندان جوامع شرقی و استعمارزده چگونه در این عصر و زمانه به اتفاقاتی از این دست واکنش نشان می‌دهند. بدین‌ترتیب نظریات پسااستعماری و نوع نگاه حاصل از آن می‌توانند برای دست‌یابی به تحلیل‌های متناسب رهیافت‌هایی ارایه دهند. در نوشتهٔ پیش رو که از انواع پژوهش‌های کاربردی است سعی شده با استفاده از دیدگاه ذکرشده با تکیه بر تحلیل‌های کیفی مبتنی بر شواهد اسنادی و کتابخانه‌ای با جمع‌آوری داده‌هایی از واکنش هنرمندان به اتفاقات مشابه و تحلیل آن‌ها براساس دیدگاه‌های پسااستعماری، نوع مواجههٔ آن‌ها با این مسایل را بررسی و توصیف و تحلیل کند. براین اساس به‌نظر می‌رسد هنوز نوع جهان‌بینی و واکنش‌های هنرمندان بومی تا حد زیادی با نوع نگاه تعریف‌شده از جانب غرب و قدرت‌های استعماری شکل گرفته و بروز می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

استقلال رأی هنرمند، تحلیل پسااستعماری، هنر و سیاست، موسیقی، گرگ هاینز، ۱۸۳ بار.

*نویسندهٔ مسوول، ایمیل: GmmiladG@yahoo.com ، تلفن: ۰۹۱۱۵۹۲۵۰۸۱

مقدمه

در طول تاریخ، هنرمندان ملل مختلف به‌عنوان یکی از گروه‌های نخبه و به‌نوعی پیش‌رو در مسایل جامعه، تعیین‌کنندهٔ خط مشی و هادی عموم، میزان و الگوی رفتار اجتماعی، سیاسی و فردی در نظر گرفته می‌شده‌اند. دربارهٔ این‌که چرا این پدیده در طول تاریخ به‌طور مکرر قابل مشاهده بوده و بشر میل به چنین رفتاری دارد بحث‌های زیادی درگرفته و دلایل متعددی از نظر ویژگی‌های روانی و طبیعی بشر ذکر شده‌است که ما را در این‌جا با آن کاری نیست؛ اما به هر حال این واقعیتی است غیرقابل انکار. باید توجه داشت منظور ما از هنرمند در این‌جا به معنای فردی اهل تفکر و مکاشفه است که حاصل اندیشه‌ها و شهودهایش را در قالب رسانه[1]های مختلف به جامعه عرضه می‌کند و اساساً فعالیت هنری شکلی از اندیشیدن است و اثر هنری محصولی است اندیشه‌ورزانه؛ و نباید آن را با مفهوم نوظهور سِلِبریتی[2] که با دنیای سرگرمی[3] و تفنن در ارتباط است و احتمالاً در بسیاری موارد ممکن است سطح تفکر حتی پایین‌تری نسبت به عموم مردم داشته باشد و فردی است از بسیاری جهات غیرمتخصص، خلط کرد.

اما مساله این‌جاست که تفکر، استقلال رأی و وظیفهٔ تاریخی هنرمند که در طول تاریخ به درجاتی (مستقیم یا غیرمستقیم، پررنگ یا کم‌رنگ) بر دوش او بوده دچار آفت‌هایی می‌شود و به‌نظر می‌رسد هنرمند در بسیاری موارد از وظیفهٔ تاریخی-اجتماعی خویش بازمانده یا آن را به درستی انجام نداده یا اساساً مسیر غلطی را در پیش می‌گیرد. حال این سوال مطرح است که در دنیای جدید که از چند قرن اخیر درگیر انقلاب‌های مختلف فکری، صنعتی و فن‌آورانه[4]، اقتصادی و رسانه‌ای بوده، نوع واکنش هنرمندان به مسایل مختلف مبتلابه جامعهٔ بشری چگونه بوده و دچار چه آفت‌هایی شده‌است. به‌نظر می‌رسد مجموع تغییرات جدید در سبک زندگی جوامع بشری در عین این‌که فرصت‌های زیادی را برای ایفای نقش درست شخص هنرمند در برابر اتفاقات مختلف ایجاد می‌کند، در عین حال تهدید و غفلت‌هایی را نیز موجب می‌شود. این می‌تواند در کشورها و فرهنگ‌های مختلف به اشکال متفاوتی بروز کند. یعنی بنابر شرایط دنیای مدرن و آسیب‌های آن، هنرمند چه در کشورهای غربی یا شرقی، پیشرفته یا درحال‌توسعه و عقب‌افتاده و غیره از وظیفهٔ تاریخی خویش باز بماند. حال در این نوشتار توجه ما بیشتر بر هنرمندان فرهنگ خودی یا همسایه یا فرهنگ‌های مشابه است؛ که آیا رفتارهای ایشان تحت تاثیر عواملی در جهت منفی قرار گرفته یا نه؛ و اساساً قصد دارد این مساله را با رویکردی پسااستعماری[5] بررسی نماید.

ایدهٔ اولیهٔ چنین پرسشی از مواجههٔ نگارنده با واکنش گِرگ هاینْز[6]، آهنگ‌ساز انگلیسی، به شکنجهٔ یکی از متهمان حملات تروریستی یازده سپتامبر که توسط ماموران سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، انجام گرفته، حاصل شده‌است. آهنگ‌ساز مورد نظر در اثری که ۱۸۳ بار[7] نام دارد احساسات شخصی خویش را در ارتباط با چنین فاجعه‌ای بروز داده در حالی‌که واکنش قابل توجه مشابهی از هنرمندان دیگر، در رشته‌های مختلف، مشاهده نشده‌است و این از نمونه‌های قابل توجه استقلال رأی و حق‌طلبی برای هنرمندی است که اساساً در جامعه‌ای رشد یافته که هم‌سویی سیاسی و عقیدتی با شکنجه‌کننده دارد. حال با مشاهدهٔ مواردی از این دست، این سوال مطرح می‌شود که واکنش‌های هنرمندان جهان سوم و استعمارزده در چنین مواردی به چه ترتیب است؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به مسایل مطرح شده در قسمت مقدمه رویکردی پسااستعماری را در روند کار در دستور کار قرار داده‌است. تحلیل‌های مطرح شده با توجه به جنس تحقیق از نوع تحلیل‌های کیفی است و از ابزارهای مرتبط با روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی در طول تحقیق بهره گرفته‌است. در این میان واکنش گرگ هاینز به‌عنوان مثالی شاخص بررسی شده و با تبیین انواع روابط بین سیاست و هنر در جوامع بشری از آن درجهت تحلیل هرچه بهتر مسایل مورد نظر کمک گرفته می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

متفکران بسیاری این جنبه از هنر و هنرمند را در طول تاریخ مورد بررسی و مداقه قرار داده‌اند. برای مثال آرنولد هاوزر[8] درخلال بحث‌های مفصل جامعه‌شناسی تاریخی هنر، جایگاه هنرمند را در جامعه به‌طور مفصل بررسی

کرده‌است؛ از آن جمله در کتاب مفصل «تاریخ اجتماعی هنر» و مقالات پراکندهٔ دیگر. پژوهش‌گران دیگری هم‌چون کارول[۹] ارتباط هنر و زیباشناسی را با اخلاق و سیاست بررسی کرده‌اند

مبانی نظری

نظریهٔ پسااستعماری از جمله رویکردهای نقد و مطالعات اجتماعی و فرهنگی است که گسترهٔ بزرگ و قابل توجهی را پوشش داده که این اصطلاح را تا حد زیادی «سیال»، «چندمعنایی» و «ابهام‌آمیز» می‌کند و تعریف و توصیف دقیق آن را نیز دچار مشکلاتی می‌کند (پری، ۱۳۹۰: ۱۷۵). این دیدگاه اساساً پس‌از ظهور و بروز دیدگاه‌های پساساختارگرایانه در اندیشهٔ غربی شکل گرفته و مباحثی هم‌چون نقد پست‌مدرن فرانسوا لیوتار، ارتباطات و تبارشناسی حوزه‌های دانش و قدرت در تاریخ بشر از میشل فوکو و مفهوم هژمونی (سرکردگی) که توسط آنتونیو گرامشی مطرح شده، در شکل‌گیری آن مؤثر بوده‌است (قره‌باغی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). اصل محوری این رویکرد که ریشه در آرای برخی روشن‌فکران جهان سوم هم‌چون ادوارد سعید[۱۰] و گایاتری اسپیواک و هومی بهابها دارد انتقاد از سلطهٔ فرهنگی سفیدپوستان اروپایی است و می‌خواهد از آن مرکززدایی کند؛ ازاین‌رو بحث محوری نظریهٔ پسااستعماری این است که فرهنگ پسااستعماری لزوما باید نسبت به فرهنگ مسلط غربی سر شورش و حاشیه‌سازی داشته باشد (میلنر و براویت، ۱۳۹۲: ۲۰۴). از این‌رو باید نظام ارزش‌گذاری اروپامحور بازبینی شده، اقتدار آن مورد تشکیک قرار گرفته و به کناری رانده شود (پری، ۱۳۹۰: ۱۷۷). این دیدگاه در گذشته با اسامی‌ای هم‌چون مطالعات فرهنگی و ادبی آثار کشورهای مشترک‌المنافع و جهان سوم مطرح می‌شد و مقصود آن مشاهدهٔ تاثیرات فرهنگ غرب و استعمار دول اروپایی و آمریکایی بر کشورهای مورد بحث بود (قره‌باغی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). بخش مهمی از نظریات بنیادین دیدگاه پسااستعماری در کتاب «شرق‌شناسی»[۱۱] سعید تبیین شده که در سال ۱۹۷۸ منتشر شده‌است. خود واژهٔ شرق‌شناسی از اصطلاحاتی است که قبل از سعید در علوم مختلف انسانی به معانی مختلف اما تا حد زیادی مشابه به‌کار می‌رفته‌است. اما در مدتی پس از سال‌های جنگ جهانی دوم تغییرات عمده‌ای در معنای رایج آکادمیک آن رخ می‌دهد که بیشتر تحت تاثیر نوشته‌های اندیش‌مندان اغلب شرقی هم‌چون انور عبدالملک[۲۱]، ای. ال. طیباوی[۳۱]، برایان ترنر [۴۱]و ادوارد سعید بود (موسوی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۳). در آثار ایشان شرق‌شناسی به‌مثابه ابزاری امپریالیستی، نوعی اسلام‌شناسی و عرب‌شناسی، نظامی فراگیر و سلطه‌جو و یا سایر موارد مشابه شناخته می‌شد (همان: ۱۴).

اما بیش از همه نظرات سعید در کتاب «شرق‌شناسی» بود که باعث شکل‌گیری نقطهٔ عطف مهمی در شکل‌گیری معنای جدید این اصطلاح شد. سعید در این کتاب در چندین فصل مسایل بنیادینی برمبنای دوگانه‌هایی هم‌چون «خود» و «دیگری» مطرح می‌کند که در آن یک هویت جعلی و جغرافیای خیالین (سعید، ۱۳۸۶: ۸۳) از شرق و اصولاً هرچه غیرغربی است ارایه می‌شود که در طی چرخشی پیچیده، این مفاهیم به خودِ فرهنگ‌های استعمارزده برمی‌گردد و این کشورها نیز خود را به‌مثابه دیگریِ تعریف‌شده توسط غرب می‌شناسند. درواقع، تصویر ارایه شده از شرق توسط غربیان نوعی روایت و بازنمایی از واقعیت است که تاریخ شکل‌گیری آن مصادف است با شروع دوران استعمار که حاصل آن تقویت رویکردهای استعماری (موسوی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۹)، و ایجاد احساسی عاری از بدبینی و درعین حال مبهم در ذهن جوامع استعمارزده، و حس داشتن یک عقلانیت آرمانی و موفقیت در تسلط بر بومیان همراه با احساس رضایت‌مندی برای استعمارگر است که در نهایت با تغییر و بازنویسی تاریخ بومیان و استفاده از سایر فنون و مواهب غربی تداوم استعمار را ضمانت می‌کند (همان: ۱۷)؛ اما نکتهٔ مهم این‌جاست که این نوع رابطهٔ فرادست و فرودست با پایان یافتن استعمار مسقتیم خاتمه نیافته و هنوز هم با کمک ابزارهای مختلفی هم‌چون نفوذ، جنگ، فساد، کودتا و غیره ادامه دارد (پورقریب، ۱۳۹۴: ۸۶). نکتهٔ مهم در این روایت‌ها و تصویرسازی‌ها از این دوگانه‌سازی این‌جاست که همیشه شرقیان به‌مثابه دیگری، صفات منفی و نازل، و اساساً دست پایین را در همهٔ سطوح، نسبت به خود غربی دارند. سعید ریشهٔ این باورها را در گزارش‌ها و تصاویر ساخته‌شده توسط مشاهده‌کنندگان و مستشاران غربی می‌داند که در طول چندین قرن به آن شکل داده‌اند؛

برای مثال سعید در بخشی از کتاب چندین گزارش از این کارمندان دول غربی ارایه می‌کند که شرقیان را فاقد پشتکار و ابتکار عمل، اهل دسیسه و تزویر و چاپلوسی، دارای ذهن مشوش و بی‌منطق، گریزان از دقت و استدلال دانسته‌اند و در عوض انسان غربی، در طرف مقابل ماجرا، شخصی است که از جهات مختلف گویی نژاد برتر است و«به‌گونه‌ای طبیعی منطق‌دان است، ولو که علم منطق را فرانگرفته باشد» (سعید، ۱۳۸۶: ٦٨-٦٩).

این همان نقطه‌ای است که به‌کار ما در تحلیل‌های مورد نظرمان می‌آید. به‌نظر می‌رسد هژمونی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای غرب در حال بازتولید استعمار به‌شکلی جدید است که در پی آن انسان شرقی کماکان خود را براساس دیدگاه‌های آن تعریف می‌کند، تا حدی که نیاز به تایید انسان غربی و طردنشدن از جانب وی را به‌صورت جدی در زندگی رزمره و شخصی خود حس می‌کند؛ که اگر این‌طور نباشد و انسان شرقی خود را هم‌رنگ و یک‌پارچه با این فرهنگ مسلط نیابد گویی به نوعی همهٔ این صفات منفی انباشت‌شدهٔ در طول چندین قرن که دال بر عقب‌افتادگی، کج‌فهمی و نافهمی است را در خود احساس می‌کند. به‌نظر می‌رسد هنرمندان شرقی نیز امروزه چندان از این نظام پیچیده و مسلط مستثنی نیستند

دربارهٔ قطعهٔ ۱۸۳ بار و آهنگ‌ساز آن

در سال ۲۰۰۵ دادگاهی در آمریکا که برای رسیدگی به جرایم رخ داده از سوی برخی از ماموران سیا در قبال متهمان به حملهٔ تروریستی یازده سپتامبر تشکیل شده‌بود، تایید کرد این ماموران در ماه مارس سال ۲۰۰۳ به منظور اعتراف‌گیری از خالد شیخ محمد[۵۱]، او را ۱۸۳ بار به روش القای «حس غرق شدنِ مصنوعی»[۶۱]، شکنجه و سپس رها کرده‌اند. گِرگ هایْنْز موسیقی‌دان منزوی انگلیسی بعدها گفت که قطعهٔ ۱۸۳ بار را پس از خواندن روایت این زندانی سابق گوآنتانامو[۷۱] از نحوهٔ شکنجه‌شدن‌اش در این زندان نوشته‌است. فارغ از خاستگاه‌های فکری بنیادگرایانه، خطرناک و ارتجاعی تروریستی چون خالد شیخ محمد، اثر هاینز احتمالاً تصور موسیقایی او است از مفهوم «شکنجه»، یا شاید هم حالات احساسی و توصیفی گوناگون.

گفتنی است فجایع رخ داده در عراق و دیگر کشورهایی که به بهانهٔ حقوق بشر و آزادی مورد حملهٔ ارتش ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌اند، در سایر هنرها نیز نمودهایی داشته‌است و برخی هنرمندان مستقل به آن واکنش نشان داده‌اند. برای مثال فرناندُو بوُتِرُو[۸۱]، نقاش و مجسمه‌ساز، در سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۶، در مجموعه‌ای با نام «ابوغریب»[۹۱] آثاری که بیش از ۸۰ نقاشی و ۱۰۰ طراحی را دربرمی‌گیرد، شکنجه‌های بی‌رحمانهٔ نیروهای آمریکایی را در این زندان به تصویر کشیده که در چندین نمایشگاه در اروپا و آمریکا به نمایش درآمده‌است و بازتاب‌هایی را در رسانه‌های آمریکایی نیز داشته‌است (URL 8). این آثار اتفاقات مستند و عکس‌های مستند از آن را -که اتفاقا شکنجهٔ القای حس مصنوعی خفگی (تصویر ۱) را نیز دربرمی‌گیرد- بازسازی کرده و با بیانی هنری بر برخی جنبه‌های آن تاکید کرده‌است. برای مثال در مجموعهٔ آثار مواردی هم‌چون اشاره به میله‌های زندان و انواع شکنجه‌های انجام شده دیده می‌شود؛ حالات اغراق شدهٔ ترس، خستگی و عذاب در چهره، رنگ قرمز خون در طراحی‌های سیاه و سفید، غلبهٔ رنگ قرمز در دیگر طراحی‌ها، حالت بدنی تسلیم شده، زجرکشیده و ناتوان زندانیان، کارکردن روی جزییات دست‌ها و پاهای زخمی و در حال تقلا، غلبهٔ رنگ‌های مات و تیره در نقاشی‌ها از جملهٔ این مواردند. هم‌چنین گفتنی است اتفاقات دهشتناک زندان ابوغریب مورد توجه هنرمندان دیگری نیز قرار گرفته‌است. برای مثال بیلی گرِیْس لین[۰۲]، در مجموعه‌ای از آثار با نام «زندان ابوغریب»[۱۲] در سال ۲۰۰۶ که در قالب «عکس از چیدمان»[۲۲] کار شده‌است، شکنجه‌های انجام شده توسط نیروهای آمریکایی در این زندان را به تصویر کشیده‌است (URL 9). در این مجموعه نیز عکس‌های مستند اتفاقات ابوغریب با استفاده از ابزار و تکنیک‌های چوب، فلز، آهن، عروسک و افشاندن جوهر، در آثاری با ابعاد مختلف بازسازی شده‌است. بدین صورت که با احیای فضایی شبیه به زندان مورد نظر، به جای شخصیت‌های اصلی عروسک‌هایی چیدمان شده و از آن‌ها عکاسی شده‌است. نکتهٔ تامل‌برانگیز در این مجموعه این است که به جای شکنجه‌گران زن و مرد آمریکایی به‌طور نمادینی از عروسک‌های معروف باربی[۳۲] و

تصویر ۱. فرناندو بوترو، ابوغریب ۸۹، اثری از مجموعه آثار نقاشی ابوغریب، ۲۰۰۶. اثر اشاره به شکنجه به شیوهٔ القای حس غرق شدن مصنوعی دارد (URL 11).

جی.آی. جُو[۴۲] استفاده شده‌است (همان).

از دیگر موارد می‌توان به مجموعه آثار «شکنجه[۵۲]» از آندْرِس سِرانُو[۶۲] در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد که این مورد نیز به اتفاقات زندان ابوغریب ارجاع می‌دهد (URL 12؛ برای یک بررسی مفصل در ارتباط با این قبیل آثارِ تجسمیِ مرتبط با شکنجه و تروریسم معاصر نک. Żydorwics 2020). هم‌چنین در برخی آثار سینمایی غربی نیز به شیوهٔ انجام شکنجهٔ القای حس غرق شدن اشاره شده و با تمهیداتی نشان داده شده‌است؛ برای مثال می‌توان به فیلم‌های «سرباز کوچک»[۷۲] اثر ژان لوک گدار[۸۲]، محصول سال ۱۹۶۳، «بی‌مصرف‌ها»[۹۲]، محصول سال ۲۰۱۰ و «سی دقیقه پس از نیمه شب»[۰۳] محصول ۲۰۱۲ (برای مشاهدهٔ یک نمونهٔ ویدئویی از این فیلم نک. URL 15) و سریال «۲۴»، فصل هشتم، محصول سال ۲۰۱۰ اشاره کرد.

دربارهٔ آهنگ‌ساز

گرِگ هایْنْز (۱۹۸۰-) آهنگ‌ساز معاصر، متولد انگلستان است، اما سال‌های زیادی از عمرش را در آلمان به سر برده و محیط زندگی در آلمان را بسیار مناسب‌تر برای روحیات و سبک‌آهنگ‌سازی خود می‌داند (URL 1). در نوجوانی مدتی صرف یادگیری پیانو و ویولنسل کرد اما هیچ‌گاه به آموزش جدی و آکادمیک موسیقی نپرداخته‌است. در همین دوران به راهنمایی یک معلم موسیقی با آثار آهنگ‌سازان فعال در سبک مینی‌مالیسم[۱۳] هم‌چون اِسْتیو رایْش[۲۳]، فیلیپ گِلَس[۳۳]، گَوین بِریاژز[۴۳] آشنا شد که تاثیر جدی بر او داشته و بر سبک آهنگ‌سازی وی موثر بوده‌اند. چندی بعد با آثار آرُوُ پَرْت[۵۳]، دیگر آهنگ‌ساز معاصر اروپایی آشنا شد که بیشترین منبع الهام وی در زمینهٔ آهنگ‌سازی تا به امروز بوده‌است (URL 2). با توجه به سابقهٔ آموزشی و علایق شخصی هاینز بدیهی می‌نماید که ساخته‌های وی به‌طور دقیق در دسته‌ی موسیقی‌های کلاسیک به معنای خاص کلمه قرار نگیرد. ساخته‌های وی مبتنی بر فضاسازی‌های موسیقایی، تاکید بر نوع خاصی از «بافت موسیقایی»[۶۳]، بداهه‌پردازی و استفاده‌های سلیقه‌ای از سبک مینی‌مال و برداشت‌ها و بیان شخصی از برخی سبک‌های دیگر است.

تصویر ۲. فرناندو بوترو، ابوغریب ۶۷، (۲۰۰۵)، رنگ روغن روی بوم، از مجموعهٔ ابوغریب (URL 11).

از او چندین اثر به‌صورت آلبوم موسیقی و چندین مجموعهٔ دیگر نیز برای همراهی رقص‌های طراحی‌شده منتشر شده‌است. نخستین اثرش با عنوان «جذر و مدهای خواب‌آلود»[۷۳] در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر شد، که به‌عنوان نخستین اثرش با استقبال قابل توجهی مواجه شد. در سال‌های بعد از آن نیز چندین آلبوم از وی، گاهاً با همکاری هنرمندان دیگر، منتشر شد؛ از آن جمله‌اند: گریز[۸۳]، زِلا[۹۳]، سه روز در تب[۰۴]، تا رسیدن به نقطهٔ حمایت پنهان[۱۴]. پس از انتشار نخستین آثارش اجراهایی به‌صورت تورهای اجرای زندهٔ موسیقی در کشورهای مختلفی در اروپا و سپس استرالیا، ژاپن و آمریکا داشته‌است. هم‌چنین هاینز از سال ۲۰۰۸ میلادی با هنرمندان «طراح رقص»[۲۴] از ملیت‌های مختلف هم‌چون مِگ اِسْتوارت[۳۴] از آلمان، اینا کریستِل یُهانسِن[۴۴] از نروژ، دیوید داوْسِن[۵۴] از انگلستان، و هم‌چنین با سازمان بالهٔ ملّی هلند[۶۴] نیز همکاری‌هایی داشته‌است (همان و URL 3).

نگاهی به رابطهٔ هنر و سیاست

اما فارغ از این تحلیل‌های فنی، و داستان مربوط به شکل‌گیری ایدهٔ آن در ذهن آهنگ‌ساز به‌نظر می‌رسد این قطعه اعتراضی است، در حد توان، به اتفاق دردناک شکنجل خالد شیخ محمد و توجه‌دادن مخاطبانش به این فاجعه. بدیهی می‌نماید که منظور آهنگ‌ساز از ارجاع به چنین مساله‌ای نه دفاع از شخص خاص یا افکار بنیادگرایانهٔ خطرناک و تروریستی، بلکه اعتراض به شکنجه، ظلم و زیرپا گذاشته شدن کرامت انسانی است. البته این نوع دیدگاه در تولید آثار هنری، یعنی ساخت اثر با ارجاعات سیاسی و اجتماعی، ملی، حماسی، توجه‌دهنده یا اعترض‌آمیز از سابقه‌ای بس طولانی در هنرهای مختلف برخوردار است و بدیهی است که آخرین آن نیز نخواهد بود. اصولا هنر در طول تاریخ پر فرازونشیب خود همیشه رابطهٔ معناداری با سیاست و اتفاقات پیرامون آن داشته است از آن‌جاکه سیاست با مفهوم قدرت و شیوهٔ اعمال آن و ادارهٔ امور جامعه سروکار دارد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۷) مهم‌ترین موضوع آن نهاد دولت است (همان: ۲۳)؛ «بنابراین هرگاه از "سیاست" به معنای خاص آن سخن می‌گوییم، همواره با دولت، یعنی سازمان قدرت در جامعه، که نگهبان نظم موجود یا پیش‌برندهٔ آن است، سروکار داریم» (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۱۲). با این تعاریف، بدیهی است که متولیان قدرت در هر جامعه‌ای از هنر به‌عنوان ابزاری برای تاثیرگذاری بر تودهٔ مردم برای هدایت و کنترل آن‌ها به منظور حفظ نهاد قدرت و نظم و نظام موجود بهره ببرند. در دوران معاصر رابطهٔ هنر، زیبایی‌شناسی و سیاست مورد توجه متفکران متعددی بوده‌است که نوشتارهای مستقلی در قالب‌های گوناگون در رابطه با این موضوع انتشار داده‌اند

فعالیت‌های هنری از این دست را در فرهنگ موسیقایی غرب نیز می‌توان از سال‌های بسیار دور پی گرفت. می‌توان کُرال‌های آلمانی لوتر[۷۴] (بنت، ۱۳۸۷: ۳۳) را در این مورد ذکر کرد، یا اثر شناخته شدهٔ بتهوون[۸۴]، سمفونی شمارهٔ سوم که نام قهرمانی یا ارویکا را نیز بر خود دارد. اثر بزرگی که بتهوون با الهام آزادی‌خواهان فرانسوی و تحت تاثیر اتفاقات انقلاب فرانسه به نگارش درآورد اما حاوی پیامی بس عمیق‌تر نسبت به یک اتفاق گذرای تاریخی است (برای یک بررسی مفصل نک. رولان، ۱۳۷۵: ۸۳-۱۶۶). هم‌چنین از سرودهای مردمی اروپا می‌توان سرود «مردم فرانسه، ای برادران»[۹۴] که در ضمن حرکت‌ها و شورش‌های مردمی انقلاب فرانسه خوانده می‌شده (آزاده‌فر، ۱۳۹۰: ۱۵۱) و هم‌چنین مارش بلژیکی «نبرد واترلو»، مربوط به شکست ناپلئون[۰۵] از ارتش بلژیک (همان: ۱۳۷) را نام برد، و هم‌چنین ده‌ها و صدها اثر موسیقایی دیگر. با هرچه نزدیک‌تر شدن به زمان معاصر مثال‌های قابل ذکر در مورد آثاری از این دست، خصوصا آثاری که در برابر ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها واکنش نشان داده‌اند، بیشتر می‌شود. از شناخته‌شده‌ترین این موارد قطعهٔ «مرثیه برای قربانیان هیروشیما»[۱۵] از کریستُف پِنْدِرْسْکی[۲۵] است، که درواقع واکنشی دردناک و در عین حال وحشت‌آفرین به بمباران اتمی شهر هیروشیما توسط نیروهای ایالات متحده در خلال جنگ جهانی دوم است که با توجه جایگاه مهم پندرسکی در موسیقی کلاسیک قرن بیست‌ویکم واکنش‌ها و توجه بسیاری را در سراسر جهان برانگیخت و توجهات زیادی را به خود جلب کرد. ترانهٔ «معلق»[۳۵] از لوئیجی نونو[۴۵] که توصیفی است از احوال زندانیان سیاسی؛ «رد پاها»[۵۵] در تقبیح تبعیض نژادی و «هزارتوی دو»[۶۵] در مورد زیر سوال بردن و حمله به نظام سرمایه‌داری از لوچیانو بریو[۷۵] از دیگر آثار قابل ذکرند (گریفیث، ۱۳۸۳:

تصویر 3. آندرس سِرانو، بدون عنوان X1، بدون عنوان X2، بدون عنوان X3. از مجموعهٔ شکنجه، 2015 (URL 12).

۲۵۰-۲۵۱). تاثیرات سیاست بر موسیقی قرن بیستم تا جایی پیش رفت که حتی نمودهایش بر روی تکنیک‌های آهنگ‌سازی نیز قابل مشاهده است: روش آهنگ‌سازی خلاقیت دسته‌جمعی که ره‌آورد آهنگ‌سازان چین کمونیست در «همراهی با انتقادات تودهٔ مردم» و «جواب دادن به نیازهای عامه» در سوی دیگر کرهٔ زمین بود، مورد توجه آهنگ‌سازان غربی قرار گرفت و گروه‌هایی نظیر موزیکا اِلِترونیکا ویوا[۸۵] در ایتالیا آن را در آثاری به‌کار گرفتند (همان: ۲۵۹). آثار آهنگ‌ساز برجستهٔ روس، دیمیتری شُستاکُویچ، مملو از اشارات سیاسی مستقیم و غیرمستقیم در رابطه با سال‌های پرآشوب ابتدای قرن بیستم در روسیه است؛ سمفونی «یازده» توصیف دردناک یکشنبهٔ خونین قتل عام مردم در سال ۱۹۰۵ توسط تزار است و سمفونی «دوازدهم» ادای احترامی به انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷؛ هم‌چنین بسیاری آثار دیگر (Fanning & Fay, 2001, p. 110). در ادامه آهنگ‌سازانی هم‌چون فردریک رِزِوْسکی[۹۵] و کریستیان والف[۶۰] به‌طور صریح و مستقیم مبارزات سیاسی را در پیش گرفتند و در آثارشان از مکالمات زندانیان شورشی آمریکا استفاده کردند (گریفیث، ۱۳۸۳: ۲۵۹). در سویی دیگر، هانس وِرنِر هِنْتزِه[۱۶] آهنگ‌ساز آلمانی در اِل سیمارُن[۲۶]، اثری برای خواننده و سه نوازنده، خاطرات یک بردهٔ فراری کوبایی را موضوع کار قرار داد و در بروشور یکی از آثارش صراحتاً اذعان می‌دارد که «در عصر حاضر، هنرمند می‌بایست به خلق تصویر و ارتقای آگاهی طبقهٔ کارگر و کارمند یاری رساند. هیچ امر دیگری به غیر از این از دست هنر برنمی‌آید و تعریف هنر در زمان حاضر همین است و بس» (همان: ۲۶۱).

اما اگر به اثر مورد بحث مقاله حاضر، یعنی ۱۸۳ بار، بازگردیم، با همین اطلاعات اندکی که در مورد این قطعه داریم، هنرمند با تمهید انتخاب عنوان تا حد زیادی ما را به مقصود مورد نظرش نزدیک می‌سازد. به‌نظر می‌رسد این مقصود و احساس هاینز در لحظهٔ شکل‌گیری ایدهٔ اثر هرچه بوده باشد، از افسوس و تاسف برای افول و هبوط بی‌انتهای انسان و شقاوت حاصل از آن، توصیف سختی و وحشت عذاب، احساس ترحم و ناراحتی برای خالد شیخ محمد، امید به آینده و غیره یکی از اهداف غیرقابل تردید هاینز برجسته کردن این اتفاق دهشتناک برای مخاطبانش بوده‌است. رفتاری عمدی که برای مخاطب این اثر قطعاً پرسش‌برانگیز است. شاید پرسش‌هایی از این دست که در جهانی که رعایت حقوق بشر و کرامت انسانی

تصویر 4. صحنهٔ شکنجه به شیوه‌ی القای حس خفه شدن در فیلم سرباز کوچک، 1963.

ورد زبان همگان است چرا باید چنین اتفاقی در گوشه‌ای از جهان در حال رخ دادن باشد، آن هم در کشورهایی که ادعای داشتن بالاترین استانداردهای آن را دارند.

اما آیا تولید آثاری با اهدافی از این دست، دقیقا وظیفهٔ هنرمندان و سایر نخبگان جامعه نیست؟ و سوال دیگر این‌جاست که چرا در بین هنرمندان مختلف از میان ملیت‌های گوناگون کمتر شاهد چنین اعتراضات، هرچند کم‌رنگ، هستیم؟ و بیشتر از آن، این سوال در مورد جامعهٔ هنرمندان منطقه و کشور خودمان مطرح است. وقتی به دنبال ساخته‌های موسیقی‌دانان این مناطق در مورد ظلم‌های آشکاری که در سراسر جهان به افراد و ملیت‌های گوناگون، خصوصا آن‌ها که در رابطه با اقوام و ملت‌های همسایهٔ ما در جریان است، می‌رویم به اثر برجسته‌ای برنمی‌خوریم. شاید از معدود مواردی که به ذهن متبادر می‌شود سمفونی «فلسطین» از کیهان کلهر باشد که آن هم چندان دیده نشد. این در حالی است که در مقایسه با سال‌های جنگ تحمیلی بین ایران و عراق آثار بسیار بیشتری در مورد اتفاقاتی از این دست از هنرمندان‌مان شاهد بودیم. فارغ از این‌که درگیربودن کشور خود هنرمند در چنین فجایعی می‌تواند برای تولید آثار هنری بسیار انگیزه‌بخش باشد، که البته امروزه شاهد این مورد نیستیم، اما آیا این واقعا کمیت کارهای تولید شده در ارتباط با مسایل ذکر شده در دهه‌های اخیر را توجیه می‌کند؟ چه چیز بی‌طرفی و حق‌طلبی هنرمند و روشنفکر را به چالش کشیده و از راه به‌در می‌کند؟ برای مثال دربارهٔ اتفاقات اخیر مرتبط با کشور فلسطین که در آن درجات قابل توجهی از نسل‌کشی درحال انجام است چه تعداد از هنرمندان کشور یا اساسا کشورهای شرقی نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند؟ منظور از واکنش در این‌جا چیزی فراتر از واکنش‌های احساساتی و گذرا در حد اعلام نظر یا ابراز تاسف در شبکه‌های اجتماعی است که آن هم در مقابل شدت فجایع چندان چشم‌گیر نیست (برای مشاهدهٔ برخی از این موارد نک. URL 23-28)؛ بلکه منظور واکنش‌های متفکرانه، عمیق، تاثیرگذار که افکار ملی یا حتی جهانی را درگیر خود کند. منظور آثار هنری‌ای است که حاصل صرف انرژی و زمان باشد تا نشان‌گر دغدغه‌مندی جدی هنرمند در قبال چنین فجایعی. اما با بررسی‌ها و جست‌وجوهای انجام گرفته شاهد مواردی از این دست نیستیم.

آیا به‌نظر یکی از دلایل عدم اظهارنظر فنی و هنری نخبگان و هنرمندان دربارهٔ اتفاقاتی از این قبیل همان «ترس از طرد شدن» از فرهنگ مسلط غربی که اکنون به‌واسطهٔ تسلط و هژمونی رسانه‌ای به‌میزان قابل توجهی افراد فرهنگ‌های جهان سوم را نیز تحت تاثیر قرار داده نیست؟ آیا به این دلیل نیست که هنوز هم که قریب به نیم‌قرن از ارایهٔ این نظریات می‌گذرد، هنوز هدف »از جا کندن ادعای حقیقت گفتمان‌های اروپامدار« بسیار دور از دسترس به‌نظر می‌رسد و هنرمند کشورهای استعمارزده نیز که در این فضای فکری و احساسی زیست می‌کند، توان فرارفتن از این گفتمان مسلط و بیان دیدگاه مستقل و حقیقت‌طلبانهٔ خود را ندارد؟ حتی در مواردی هم که هنرمند دربارهٔ مواردی از این دست اظهار نظر می‌کند با واکنش شدید مخاطبلن و گروه‌هایی که به‌شدت خودشان هم درگیر و نگران نظر مثبت این نگاه مسلط غربی هستند، مواجه می‌شود (برای یک نمونه نک. URL 29, URL 30). مواردی از این دست نشان می‌دهد به‌نظر، آن‌چه که مد نظر سعید و دیگر نظریه‌پردازان پسااستعماری بوده، هنوز با عملی شدن و واقعیت امروزی کشورهای استعمارزده فاصلهٔ بسیار زیادی دارد.

نتیجه‌گیری

هنرمندان درطول تاریخ همیشه از اقشار پیش‌رو جامعه بوده و درمورد مسایل مختلف مبتلابه جامعهٔ بشری، در بسیاری موارد، نظرات جسورانه و حق‌طلبانه‌ای بروز داده‌اند؛ به‌طوری که با نگاهی گذار به رابطهٔ بین سیاست و هنر در طول تاریخ درمی‌یابیم که همواره تعاملات پیچیده‌ای بین این دوجنبهٔ مهم زندگی بشری وجود داشته‌است. اما این نقش‌ها و اظهارنظرها همیشه در معرض خطرات متعددی بوده‌است. در دوران معاصر نیز شرایط جدید زندگی در جهان فن‌آورانه و رسانه‌های مدرن تهدیدات متفاوتی را متوجه این جنبه از زندگی هنری کرده‌است. اگرچه در قرن اخیر کشورها و اقوام بسیاری از زیر سیطرهٔ استعمار فیزیکی ملل غربی خارج شدند، به‌نظر می‌رسد هم‌چنان نوعی از استعمار جدید فرهنگی و رسانه‌ای در جریان است

که در شکل‌دهی به دیدگاه‌های انسان شرقی بسیار موثر است. بنابر تحلیل‌های پسااستعماری انسان شرقی خود را نیز براساس تعاریف نگاه غربی از خود می‌شناسد و اگرچه، بنابر نظر نظریه‌پردازان پسااستعماری، باید خود را از زیر یوغ این نگاه مسلط خارج کند، به‌نظر می‌رسد هم‌چنان نگران تایید این دیدگاه غربی و طردنشدن از جانب آن است. برای مثال با یک پیگیری نه‌چندان گسترده در آثار تولیدشده در زمینهٔ هنری مورد بحث، یعنی موسیقی، کمتر اثری در سال‌های اخیر از موسیقی‌دانان کشورهای مورد نظر در مورد فجایع بشری که توسط دول غربی رقم خورده، تولید شده‌است. تا جایی‌که اثر یک آهنگ‌ساز انگلیسی در اعتراض به یکی از موارد رفتارهای غیرانسانی برای مخاطبان سراسر جهان به چشم می‌آید. بیشتر اظهارنظرهای هنرمندان در کشورهای مورد بحث از حد اظهارنظرهای سطحی و زودگذر فراتر نمی‌رود و کمتر شاهد فعالیت‌های عمیق، متفکرانه و دامنه‌دار در این زمینه‌ها هستیم. از این‌رو به‌نظر می‌رسد هم‌چنان نگاه مسلط غربی و هژمونی نظری و رسانه‌ای آن بر ملل شرقی و خصوصاً هنرمندان آن پررنگ است و تا استقلال کامل و برون‌رفت از این سیطره و رهاسازی افکار و باورها از آن، راه درازی در پیش است.

پی‌نوشت‌ها

1. Medium
2. Celebrity
3. Entertainment
4.Technologic
5. Postcolonial
6. Greg Haines
7. 183 Times

۸. Arnold Hauser (۱۸۹۲-۱۹۷۸) متخصص مجاری-آلمانی تاریخ هنر و جامعه‌شناسی با گرایشات مارکسیستی در تحلیل‌هایش.
۹. Noël Carroll (۱۹۴۷-) فیلسوف آمریکایی متخصص فلسفه معاصر هنر.
۱۰. Sir Herbert Edward Read (۱۸۹۳-۱۹۶۸) متخصص انگلیسی تاریخ هنر، شاعر، فیلسوف و منتقد ادبی.
۱۱. Adeline Virginia Woolf (۱۸۸۲-۱۹۴۱) نویسنده معاصر انگلیسی؛ از مهم‌ترین نویسندگان قرن بیستم و از نمایندگان سبک جریان سیال ذهن.
۱۲. Hannah Arendt (۱۹۰۶-۱۹۷۵) فیلسوف و تاریخ‌دان معاصر آلمانی که نظریه‌های سیاسی وی از اهمیت خاصی برخوردارند.
۱۳. Gayatri Chakravorty Spivak (۱۹۴۲-) استاد دانشگاه هندی‌الاصل در زمینهٔ نظریهٔ ادبی، ادبیات تطبیقی و نقد فمنیستی.
۱۴. Homi Kharshedji Bhabha (۱۹۴۹-) دانشمند هندی-بریتانیایی متخصص نظریهٔ انتقادی و مطالعات پسااستعماری.
۱۵. Edward Said (۱۹۳۵-۲۰۰۳) استاد فقید فلسطینی-آمریکایی ادبیات تطبیقی و نقد ادبی در دانشگاه کلمبیا.

16.Orientalism
17.Anwar Abdel Malek
18. A. L. Tibawi
19. Brian Turner

۲۰. Khalid Sheikh Mohammed (۱۹۶۵-) مامور اصالتاً پاکستانیِ سازمان تروریستی القاعده و از اعضای عالی‌رتبهٔ آن. از متهمان حادثهٔ تروریستی یازدهم سپتامبر.
۲۱. Waterboarding: از روش‌های شکنجه که در کشورهای مختلفی هم‌چون ایالات متحده آمریکا، فرانسه، کامبوج و دیگر نقاط جهان انجام گرفته و می‌گیرد. بدین صورت که قسمت سر و صورت فرد شکنجه‌شونده با پارچه‌ای پوشانده می‌شود و پایین‌تر از پاها قرار می‌گیرد. با ریختن آب بر روی پارچه، متهم توانایی تنفس صحیح را از دست داده و به‌جای هوا، آب وارد ریه‌های خود می‌کند و تا مرز خفگی کامل پیش می‌رود (URL 7).

22.Guantanamo Bay detention camp

۲۳. Fernando Botero (۱۹۳۲-۲۰۲۳) نقاش و مجسمه‌ساز معاصر کلمبیایی.
۲۴. Abu Ghraib: در اصل نام زندانی در ۳۲ کیلومتری غرب بغداد درعراق که در دههٔ ۱۹۵۰ توسط پیمانکاران انگلیسی ساخته شد و با درجهٔ امنیتی بسیار بالا مشغول به‌کار بود. در دوره‌ای مورد استفادهٔ رژیم بعث عراق و بعدتر مورد استفادهٔ نیروهای ایالات متحده آمریکا بود. این زندان به خاطر وضعیت نامناسب زندانیان و شکنجه و اعدام شناخته شده‌است. گفتنی است برخی از اسرای جنگ هشت ساله ایران و رژیم بعث نیز در این زندان نگهداری می‌شده‌اند.
۲۵. Billie Grace Lynn (1961-) مجسمه‌ساز معاصر آمریکایی. استاد دانشگاه میامی. دارای تحصیلاتی در زمینهٔ مجسمه‌سازی، فلسفه و مذهب.

26. Abu Ghraib Prison
27.Installation Photography

۲۸. Barbie: مجموعه عروسک‌های مرتبط با مد و فشن که در ابتدا توسط روث هَنْدلِر [Ruth handler] طراحی شده و توسط شرکت مَتِل [Mattel] به تولید انبوه رسیده‌است. تاکنون بیش از یک میلیارد از عروسک‌های باربی در سراسر جهان به فروش رفته که نقش مهمی در شکل دادن به فرهنگ عامه داشته و تاثیرات عمده‌ای را در برخی موارد بر جای گذاشته‌است (URL 14).
۲۹. G.I Joe: نام تجاری و شرکت ساخت عروسک یا آدمک مفصلی [action figure] آمریکایی است. مدل‌های اولیهٔ شرکت بازنمایانندهٔ نمونه‌های مختلفی از نیروهای ارتش آمریکا بودند.

Torture .30

۳۱. Andres Serrano (۱۹۵۰-) عکاس و هنرمند معاصر آمریکایی.

The Little Soldier .۳۲

۳۳. Jean-Luc Godard (۱۹۳۰-۲۰۲۲) کارگردان فرانسوی-سوییسی. فعال در حوزه‌های فیلمنامه‌نویسی، نقد و نظریه‌پردازی در سینما و از پیش‌گامان جنبش موج نوی سینمای فرانسه.

43. The Expendables
53. Zero Dark Thirty

36. Minimalism: اصطلاحی به عاریت گرفته شده از هنرهای تجسمی؛ اشاره به سبکی در آهنگ‌سازی دارد که از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شده و از نظر فنی، به‌طور عامدانه، واژگان و عبارات ساده‌شدهٔ ریتمیک، ملودیک و هارمونیک را به‌کار می‌گیرد (Potter, 2001).
۳۷. Steve Reich (۱۹۳۶-) آهنگ‌ساز معاصر آمریکایی در سبک مینی‌مالیسم.

۳۸. Philip Glass (۱۹۳۷-) آهنگ‌ساز معاصر آمریکایی در سبک مینی‌مالیسم.
39. Gavin Bryars (۱۹۴۳-) آهنگ‌ساز معاصر انگلیسی؛ دارای دوره‌های کاری مختلف در سبک‌های متفاوت.
40. Arvo Pärt (۱۹۳۵-) آهنگ‌ساز معاصر استونیایی؛ دارای دوره‌های کاری مختلف در سبک‌های متفاوت.
41. Musical Texture: اصطلاحی تخصصی که اشاره به جنبه‌های صوتی یک ساختار موسیقایی دارد؛ که انواع بسیار متنوعی را شامل می‌شود. از برخی جنبه‌ها قابل مقایسه با بافت در هنرهای تجسمی است (Texture, 2001).
42. Slumber Tides
43. Digression
44. Xela
45. Three Days of Fever
46. Until The Point of Hushed Support
47. Choreographer
48. Meg Stuart
49. Ina Christel Johannessen
50. David Dawson
51. Dutch National Ballet
52. Víctor Lidio Jara Martínez (۱۹۳۲-۱۹۷۳) خواننده و شاعر معاصر شیلیایی.
53. سوسیالیسم تدوری یا سیاستی است که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید-سرمایه، زمین، اموال و جز آن‌ها-به‌طورکلی، و ادارهٔ آن‌ها به سود همگان است (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۰۴).
54. Animals
55. Pink Floyd؛ گروه موسیقی راک انگلیسی بنیان‌گذاری شده در دههٔ ۱۹۷۰ در لندن.
56. به صورت «یادگار زریران» نیز آمده‌است. از متون پهلوی قبل از اسلام ایران که بیان‌گر داستانی جنگی و حماسی است.
57.زادهٔ ۷۵۷ ه.ق در مراغه و درگذشتهٔ ۸۳۸ در هرات؛ آهنگ‌ساز دورهٔ تیموری، نوازندهٔ عود و موسیقی‌شناس. دارای تالیفات متعدد هم‌چون شرح ادوار، مقاصدالالحان، جامع‌الالحان (مراغی، ۱۳۸۸الف).
58. متولد ۱۲۵۹ قزوین، درگذشتهٔ ۱۳۱۲ در همدان؛ شاعر، آوازخوان، ترانه‌سرا. مجموعه اشعارش به کوشش محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت منتشر شده‌است. آثار مهم‌اش در زمان قاجار و مشروطه ساخته شده‌اند.
59. انجمن موسیقایی برجستهٔ دههٔ ۵۰ ایران که تا حدود سال ۱۳۶۰ به فعالیت‌های خود ادامه داد. تشکیل شده از گروه عارف و شیدا و بزرگانی هم‌چون حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان، پرویز مشکاتیان و برادران کامکار.
60.متولد ۱۳۲۵ گرگان، درگذشتهٔ ۱۳۹۳ تهران، نوازندهٔ تار و سه‌تار، آهنگ‌ساز، استاد و متخصص موسیقی دستگاهی ایران. از جمله آثار مهم وی عبارتند از: قافله‌سالار، سپیده، پرواز عشق، عشق داند.
61.متولد ۱۳۳۰ تهران. نوازندهٔ تار و سه‌تار، آهنگ‌ساز، استاد و متخصص موسیقی دستگاهی ایران. از جمله آثار مهم عبارتند از: ترکمن، پایکوبی، نی‌نوا، راز نو.
62. متولد ۱۳۳۴ نیشابور، درگذشتهٔ ۱۳۸۸ تهران. نوازندهٔ سنتور، استاد و متخصص موسیقی دستگاهی ایران، از جمله آثار مهم وی عبارتند از: پیروزی، رزم مشترک، بیداد، آستان جانان.
63. متولد ۱۳۱۹ مشهد، درگذشتهٔ ۱۳۹۹ تهران. استاد آواز کلاسیک ایرانی، مسلط بر چندین سبک مختلف از اساتید قدیم و هم‌چنین مبدع سبک مخصوص به خود. از جمله آثار مهم وی عبارتند از: نوا، مرکب‌خوانی، دستان، معمای هستی.
64. متولد ۱۳۲۸ کرمانشاه، استاد آواز کلاسیک ایرانی. دارای شیوه و جنس صدای خاص خود. از جمله آثار مهم وی عبارتند از: گل صد برگ، آتش در نیستان، شورانگیز، لاله بهار.
۶۵. Martin Luther (۱۴۸۳-۱۵۴۶) کشیش و مصلح مذهبی آلمانی در قرون وسطی و از بنیان‌گذاران پروتستانیزم در مسیحیت.
۶۶. Ludwig van Beethoven (۱۷۷۰-۱۸۲۷) آهنگ‌ساز بزرگ مکتب کلاسیک و رمانتیک آلمان. از جمله آثار مهم عبارتند از: سمفونی سوم (ارویکا)، سمفونی پنجم، سمفونی نهم، آپاسیوناتا، سونات پاتتیک، فیدلیو.
67. Peuple Francais, Peuple de Freres
۶۸. Napolé on Bonaparte (۱۷۶۹-۱۸۲۱) فرماندهٔ نظامی و رهبر سیاسی فرانسوی که بعد از انقلاب فرانسه به قدرت رسید.
69. Threnody for the Victims of Hiroshima
۷۰. Krzysztof Eugeniusz Penderecki (۱۹۳۳-۲۰۲۰) آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر شناخته‌شدهٔ لهستانی.
71. II Canto Sospeso
۷۲. Luigi Nono؛(۱۹۲۴-۱۹۹۰) آهنگ‌ساز معاصر ایتالیایی.
73. Traces
74. Laborintus II
۷۵. Luciano Berio (۱۹۲۵-۲۰۰۳) آهنگ‌ساز معاصر ایتالیایی. از آهنگ‌سازان پیش‌رو و موثر در موسیقی تجربی و الکترونیک.
76. Musica Elettronica Viva
۷۷. Frederic Rzewski (۱۹۳۸-۲۰۲۱) آهنگ‌ساز و پیانیست معاصر آمریکایی.
۷۸. Christian Wolff (۱۹۳۴-) آهنگ‌ساز معاصر آمریکایی. فعال در سبک موسیقی کلاسیک تجربی.
۷۹. Hans Werner Henze (۱۹۲۶-۲۰۱۲) آهنگ‌ساز معاصر آلمانی. دارای تجربیات متعدد در سبک‌های مختلف و پراکنده.
80.El cimarron

فهرست منابع

الف/ فارسی

آدورنو، تئودور و دیگران (۱۳۹۳)، **مجموعه مقالات زیبایی‌شناسی و سیاست**، ترجمه لیلی عمرانی و فرشید ابراهیمیان، تهران: سوره مهر.
آزاده‌فر، محمدرضا (۱۳۹۰)، «گونه‌های سنتی و نوی موسیقی انقلابی معاصر و نقش آن در معادلات روز دنیا» در **حماسه و موسیقی (مجموعه مقالات)**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
آشوری، داریوش (۱۳۷۹)، **دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)**، تهران: مروارید.
آلبوغبیش، عبدالله؛ و بختیاری، آمنه (۱۴۰۱)، «خوانش پسااستعماری مجموعه داستان «دو دنیا» از گلی ترقی، بر پایه اندیشه‌های هومی بابا»، پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۳۸ (۱۱)، صص ۴۹-۷۲.
اسکویی، دکترنرگس؛ و شجاعت‌زاده، دکترتهمینه (۱۴۰۰)، «خوانش پسااستعماری از شعر دفاع مقدس»، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا)، ۲۵ (۱۲)، صص ۱۱-۲۵.
بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، **آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)**، تهران: نگاه معاصر.
بنت، رُی (۱۳۸۷)، **تاریخ موسیقی غرب**، ترجمه پیام روشن، تهران: ماهور.
پایور، فرامرز (۱۳۷۵)، **ردیف آوازی و تصنیف‌های قدیمی به روایت استاد عبدالله دوامی**، تهران: ماهور.
پری، بنیتا (۱۳۹۰)، «نهادینه‌شدن مطالعات پسااستعماری» در دربارهٔ مطالعات فرهنگی، ترجمه جلیل کریمی، تهران: چشمه.
پورقریب، بهزاد (۱۳۹۴)، «ادوارد سعید و نظریهٔ پسااستعماری و ادبیات مستعمره‌زدایی»، نشریه مطالعات انتقادی ادبیات، ۶، صص ۸۵-۹۶.
پورمختار، صدیقه؛ و حسینی، سیدرضا (۱۴۰۰)، «مطالعهٔ تطبیقی خوانش پسااستعماری آثار نقاشی مکتب سقاخانه ایران و گروه D در

ترکیه با تکیه بر فضای سوم هومی بابا»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۸۵ (۲۶)، صص ۳۳-۴۲.
پورمختار، صدیقه و دیگران (۱۳۹۷)، «نقش رسانه‌ای هنر در هویت‌بخشی به زنان فرودست مبتنی بر آرای پسااستعماری گایاتری اسپیوک، نشریه روان‌شناسی فرهنگی زن، ۳۶ (۱۰)، صص ۷-۲۱.
جاویدصباغیان، مقداد (۱۴۰۰)، «نظریهٔ پسااستعماری به‌مثابه رویکردی برای مطالعات تطبیقی هنر»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۸۵ (۲۶)، صص ۲۵-۳۱.
حاجتی، سمیه؛ رضی، احمد (۱۳۹۵)، «خوانش پسااستعماری رمان جزیرهٔ سرگردانی»، نشریه متن پژوهی ادبی، ۶۸ (۲۰)، صص ۴۱-۶۵.
حسنی، زهرا؛ مهرکی، ایرج (۱۴۰۰)، «خوانش پسااستعماری خسی در میقات با تکیه بر نظرات فرانتس فانون»، نشریه مطالعات زبان فارسی، ۷ (۴)، صص ۶۹-۸۴.
حقیقی، شهین و دیگران (۱۳۹۷)، «خوانش پسااستعماری شخصیت‌های نمایش‌نامهٔ ماه‌عسل»، نشریه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۱۷ (۶)، صص ۶۴-۸۶.
حیدری، فاطمه؛ البرزی‌اوانکی، رضا (۱۳۹۶)، «خوانش پسااستعماری همسایه‌ها احمد محمود در پرتو نظرات اسپیواک»، نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۷۶ (۲۲)، صص ۳۳۷-۳۵۲.
خورشیدیان، رائیکا؛ زاهدی، حیدر (۱۳۹۶)، «مکتب سقاخانه: نگاهی پسااستعماری یا شرق‌شناسانه؟»، نشریه باغ نظر، ۵۳ (۱۴)، صص ۴۱-۵۲.
دانش‌اشراقی، سپهر (۱۴۰۱)، «نقش هنرمندان در زمان بحران تاریخی»، نشریه مطالعات هنرهای زیبا، ۸ (۳)، صص ۹۱-۹۵.
دانش‌اشراقی، سپهر؛ مریدی، محمدرضا؛ مازیار، امیر (۱۴۰۰) «تحلیل مفهوم هنرمند کنش‌گر با تکیه بر اندیشهٔ هانا آرنت»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۸۸ (۲۶)، صص ۱۷-۲۶.
رانسیر، ژاک (۱۳۹۹)، سیاست‌ورزی زیبایی‌شناسی، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزارهٔ سوم.
رانسیر، ژاک؛ انگلمان، پیتر (۱۴۰۰)، **سیاست و زیبایی‌شناسی**، ترجمه اشکان صالحی، تهران: نی.
رولان، رومن (۱۳۷۵)، **زندگانی بتهوون** (ج ۱)، ترجمه و ویرایش مصطفی پورتراب و محمد مجلسی، تهران: دنیای نو.
رید، هربرت (۱۳۵۲)، **هنر و اجتماع**، ترجمه سروش حبیبی، تهران: امیرکبیر.
سعید، ادوارد (۱۳۸۶)، **شرق‌شناسی**، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
شاهمیری، آزاده (۱۳۸۵)، «تئاتر و خوانش پسااستعماری» نشریه هنر، ۶۹ (۱)، صص ۱۰۶-۱۱۵.
فهیمی، سارا (۱۳۹۸)، «پست‌کلنیالیسم به‌مثابه فرضیه تصویری»، نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲۳ (۴)، صص ۵۱-۶۶.
قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، هنر نقد هنری، تهران: سوره مهر.
قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۲)، «هنر و سیاست»، نشریه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، (نهم و دهم)، صص ۲۱۳-۲۳۴.
کارول، نوئل (۱۳۸۹)، «سیاست و زیباشناسی» در **مبانی جامعه‌شناسی هنر**، ترجمه علی رامین، تهران: نی.
---------- (۱۳۹۲)، **هنر و قلمرو اخلاق**، ترجمه محسن کرمی، تهران: ققنوس.
کِلهر، جو (۱۳۹۳)، **تئاتر و سیاست**، ترجمه امین کیانپور، تهران: مروارید.
گریفیث، پل (۱۳۸۳)، **یک قرن موسیقی مدرن**، ترجمه کیوان میرهادی، تهران: افکار.
مبینی‌شورستانی، محمد؛ نوری، هادی (۱۴۰۲)، «خوانش پسااستعماری حکایت حاجی‌مراد اثر صادق هدایت به روش واسازی»، نشریه جامعه شناسی فرهنگ و هنر، ۱۴ (۵)، صص ۱۷-۳۰.
مراغی، عبدالقادر بن غیبی (۱۳۸۸الف)، **جامع‌الالحان**، به تصحیح بابک خضرائی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
مشحون، حسن (۱۳۸۸)، **تاریخ موسیقی ایران**، تهران: فرهنگ نشر نو.
ملزر، آرتور؛ واین برگر، جری؛ زینمان، ریچارد (۱۳۹۸)، **دموکراسی و هنر**، ترجمه شاپور جورکش، تهران: چشمه.
موسوی‌نیا، سیدرحیم (۱۳۹۰)، «ادوارد سعید و روایت استعمار»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۳، صص ۱۱-۲۵.
میلنر، آندرو؛ براویت، جف (۱۳۹۲)، **درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر**، ترجمه جمال محمدی، تهران: ققنوس.
هاوزر، آرنولد (۱۳۷۷)، **تاریخ اجتماعی هنر**، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: خوارزمی.
---------- (۱۳۸۹)، «جایگاه اجتماعی هنرمند در رنسانس» در **مبانی جامعه‌شناسی هنر**، ترجمه علی رامین، تهران: نی.
وولف، ویرجینیا (۱۳۸۲)، «هنرمند و سیاست»، ترجمه صفدر تقی‌زاده، نشریه سمرقند، ۱ (۱)، صص ۱۴۳-۱۴۸.

ب/ غیرفارسی

Fanning, David; & Fay, Laurel E. (2001). Shostakovich, Dmitry (Dmitriyevich). In The New Grove Dictionary of Music and Musicians. Oxford: Oxford University Press.
Potter, Keith. (2001). Minimalism. In The New Grove Dictionary of Music and Musicians. Oxford: Oxford University Press.
Texture. (2001). In The New Grove Dictionary of Music and Musicians. Oxford: Oxford University Press.

ج/ پایگاه‌های اینترنتی

URL 1 : <https://www.themilkfactory.co.uk/st/2010/03/interview-greg-haines-ich-bin-ein-berliner
URL 2 : <https://www.daviddawson.com/people/greg-haines
URL 3 : <https://www.discogs.com/artist/
URL 4 :<https://greg-haines.bandcamp.com
URL 5 :<https://www.youtube.com/watch?
URL 6 : <https://soundcloud.com/
URL 7 : <https://fa.wikipedia.org/wiki
URL 8 : http://www.zonaeuropa.com/URL 9 : www.billiegracelynn/#/abu-ghraib/
URL 10 :http://www.billiegracelynn.com/statement
URL 11 :https://webapps.cspace.berkeley.edu/bampfa/search/search/?keyword=abu%20ghraib&keyword_qualifier=keyword&displayType=grid&maxresults=50&start=1
URL 12 : Andresserrano.org/series/torture
URL 13 : https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article
URL 14 : https://en.wikipedia.org/wiki/Barbie

URL 15 : https ://www.youtube.com/watch?
URL 16 :https ://fa.wikipedia.org/wiki
URL 17 :https ://fa.wikipedia.org
URL 18 : https ://en.wikipedia.org/wiki
URL 19 : https ://en.wikipedia.org/wiki/
URL 20 : https ://en.wikipedia.org/wiki/
URL 21 : https ://en.wikipedia.org/wiki/
URL 22 :https ://fa.wikipedia.org/wi
URL 23 :https ://www.isna.ir/news
URL 24 :https ://www.farsnews.ir/news
URL 25 :https ://borna.news/fa/news
URL 26 :https ://www.irna.ir/news
URL 27 :https ://basirat.ir/fa/news
URL 28 :https ://www.farsnews.ir/news
URL 29 : https ://www.alef.ir/news
URL 30 :https ://www.farsnews.ir/news

About the Independence of the Artist's Opinion and Its Analysis Based on Post-colonial Perspective under the Pretext of a Critical Look at the 183 Times by Greg Haines

Milad Mahmoudi Noosar
PhD Student in Art Studies, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received: 17 May 2024, Accepted: 04 September 2024)

Abstract
Artistic creation is one of the important aspects of human life that has complex interactions with other aspects such as culture, society, economy, and politics. Therefore, artists have always had an important social role in directing public opinion and the type of interaction with power and political aspects of human society. They have always been expected to have a rights-seeking view and independence in their opinions while facing these issues. "183 times," a musical work composed by Greg Haines, an English composer, in protest against the torture of a suspect of the 11th September terrorist attacks, is one such case that is critically examined here and used as a basis for further analysis. While it is evident that not all artists throughout history possess such virtues and fall into this category, and we have witnessed many unscrupulous and corrupt behaviors from them, it still seems that in today's world, with all the requirements and characteristics of modern lifestyles, the same positive expectations are maintained for artists from Eastern and non-Western nations. However, the problem arises from the fact that after several centuries of colonialism, the Eastern perspective has been heavily influenced by the Western definition imposed upon it. The Eastern man's view is often shaped by the definitions imposed by the West, leading to a distorted self-perception.

Keywords
Independence of the artist's opinion, Post-colonialism analysis, Art & politics, Music, Greg Haines, 183 Times.